

استناد به آیه شریفه لا تأكلوا أموالكم بينكم بالباطل^۱ به این بیان که هیاکل باطل هستند و پولی که در مقابل آن است مورد نهی واقع شده است.

مرحوم خوبی بر این استدلال اشکال کرده است:

«و فيه أنك عرفت مرارا عديدة: أن الآية ليست عن شرائط العوضين في شيء، وإنما هي راجعة إلى بيان

أسباب المعاملات.»^۲

ما می گوئیم:

۱) سابقاً گفتیم که در نظر بسیاری «باء» در آیه شریفه به معنای سببیت است (یعنی اموال خود را به سبب باطل

نفروشید) و به معنای مقابله نیست (به معنای در مقابل باطل نفروشید) و لذا آیه ناظر به آن است که به سبب

رشوه و قمار و سرقت مالی را به دست نیاورید. شاهد آن را هم برخی از بزرگان استثناء تجارت دانسته اند

که از اسباب مملکه است. ایشان در ادامه استشهاد به روایاتی که در تفسیر آیه وارد شده است اشاره می کنند:

«و يشهد لذلك أيضا- مضافا إلى ما مرّ- ما ورد في تفسير الآية: كصحيحة زياد بن عيسى، قال: سألت أبا عبد الله عليه

السلام عن قوله (قول الله خ. ل)- عزّ وجلّ-: «لا تأكلوا أموالكم بينكم بالباطل.» فقال: «كانت قریش تقامر الرجل بأهله

و ماله فنهاهم الله- عزّ وجلّ- عن ذلك.» و نحوها ما رواه العياشي عن محمد بن عليّ عنه. و الظاهر أن المراد بزياد بن

عيسى أبو عبيدة الحداء و لذا وصفنا الرواية بالصحة. و ما عن نوادر أحمد بن محمد بن عيسى عن أبيه، قال: قال أبو عبد

الله عليه السلام، في قول الله- عزّ وجلّ-: لا تأكلوا أموالكم بينكم بالباطل قال: «ذلك القمار.» و نحوها ما رواه العياشي

عن أسباط بن سالم عنه.»^۳

۲) آیا اگر باء به معنای مقابله باشد، آیه می تواند دلالت بر حرمت بیع صنم و صلیب کند؟

مرحوم مامقانی در چنین فرضی هم آیه را به عنوان دلیل نمی پذیرد ایشان می نویسد:

«لا يخفى ان شيئا من قوله تعالى و لا تأكلوا أموالكم بينكم بالباطل و الحديث المذكور لا يثبت حال الموضوع أو نوع

منه ضرورة كونهما ناظرين الى مجرد الكبرى الكلية فلا يتم دلالتهما على حرمة التكسب بهياكل العبادة المبتدعة مع كونها

أموالا عرفا الا بعد إثبات ان الشارع سلبها آثار المالية و حرم الانتفاع حتى يصدق على أخذ المال في مقابلها انه أكل للمال

بالباطل و يصدق عليها أنها محرمة حتى يترتب على ذلك حرمة ثمنها و لا يتم ذلك الا بانضمام دليل خارجي.»^۴

توضیح:

۱. نساء ۲۹

۲. مصباح الفقاهة (المكاسب)؛ ج ۱، ص: ۱۴۸

۳. دراسات في المكاسب المحرمة؛ ج ۲، ص: ۱۵۹

۴. غاية الآمال في شرح كتاب المكاسب؛ ج ۱، ص: ۵۲





۱. وقتی هیاکل عبادت، عرفاً مال به حساب می آیند، آیه شامل آنها نمی شود چراکه آیه می گوید در مقابل آنچه مالیت ندارد، مالی ندهید و نگیرید.

۲. مگر اینکه از بیرون ثابت کنیم که شارع مالیت را از بت سلب کرده است.

ما می گوئیم:

برای استدلال به آیه شریفه، لازم نیست از خارج ثابت کنیم که بت مالیت ندارد. بلکه «باطل» به معنای «غیر مال» نیست و لذا چون می دانیم بت باطل است و حق نیست، می توان آیه را شامل آن دانست. پس اینکه باید صغریایی به کبرای کلی (آیه) ضمیمه کرد، سخن کاملی است ولی این صغری عدم المالیه شرعی نیست بلکه «باطل بودن شرعی» است.

❖ دلیل چهارم) نبوی «ان الله إذا حرام شيئاً حرم ثمنه»

تقریب استدلال را از کلام شیخ انصاری خواندیم.

ما می گوئیم:

۱) مرحوم خوبی روایت را ضعیف بر شمرده است^۱ و آن را «مجعول» دانسته است.

۲) ما سابقاً در بررسی این روایت گفتیم که به چند صورت وارد شده است در برخی از آنها می خوانیم «ان الله إذا حرم علی قوم اكل شیء حرم علیهم ثمنه» و در برخی می خوانیم: «ان الله إذا حرم شربها حرم ثمنها» و تنها در مسند احمد این روایت بدون کلمه اكل و شرب به کار رفته است.^۲

❖ دلیل پنجم)

مرحوم خوبی به عنوان دلیل پنجم می نویسد:

«و بقوله تعالى: (إِنَّمَا الْخَمْرُ وَالْمَيْسِرُ وَالْأَنْصَابُ وَالْأَزْلَامُ رِجْسٌ مِنْ عَمَلِ الشَّيْطَانِ فَاجْتَنِبُوهُ) و بقوله تعالى (وَ الرُّجْزَ فَاهْجُرُوا). بناء على أن بيع هياكل العبادة و الاكتساب بها مناف للاجتناب المطلق، كما أن المراد من الأنصاب هي الأوثان و الأصنام و المراد من الرجز الرجز، و من الهجر الاجتناب.»^۳

تفسیر در المنشور درباره «والرجز فاهجر» می نویسد:

۱. مصباح الفقاهه، ج ۱ ص ۱۴۹

۲. درسنامه سال اول، ص ۶۱

۳. مصباح الفقاهة (المكاسب)؛ ج ۱، ص: ۱۴۸



«عن جابر قال سمعت رسول الله يقول «و الرجز فاهجر» برفع الراء و قال: هي الأوثان»^۱

هم چنین مجمع البیان می نویسد که: انصاب به معنای بت است و به خاطر اینکه برای عبادات نصب می شده است، به این نام نامیده شده است.^۲

بر این استدلال اشکال شده است:

«أن الاجتناب عن كل شيء ينصرف إلى الاجتناب عما يناسبه و يترقب منه بطبعه، فالاجتناب عن الخمر بترك

شربها، و عن اللباس بترك لبسه، و عن الأصنام بترك عبادتها، و أما ترك بيعها فلا يستفاد من ظاهر الآية.

اللهم إنا أن يقال: إن الاجتناب المطلق عن الشيء يقتضى حرمة جميع الانتفاعات منه، و مقتضى ذلك سقوطه

عن المالیة شرعا فتبطل المعاملة عليه لذلك»^۳

ما می گوئیم:

در اینکه چه مقدار «اجتناب» اطلاق دارد و آیا شامل جایی که صنم را برای چوب آن می فروشیم می شود؟،

در آینده بحث خواهیم کرد.

۱. در المنثور، ج ۶ ص ۲۸۱

۲. مجمع البیان، ج ۲ ص ۲۳۹

۳. دراسات فی المكاسب المحرمة؛ ج ۲، ص: ۱۶۱